



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

لغات فیلم و سینما در انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی ۹۶ بازدید



یادگیری لغات فیلم و سینما در انگلیسی یکی از بهترین راه‌ها برای تقویت دایره واژگان، درک شنیداری و مکالمه انگلیسی است. این واژه‌ها نه تنها هنگام تماشای فیلم و سریال، بلکه در گفتگوهای روزمره، نقد فیلم و حتی آزمون‌های زبان کاربرد دارند. در این مقاله، مهم‌ترین لغات و اصطلاحات مربوط به فیلم و سینما را همراه با مثال انگلیسی و ترجمه فارسی یاد می‌گیرید. هدف این راهنما، استفاده‌ی واقعی و کاربردی از زبان انگلیسی در دنیای فیلم است.

موضوعات این مقاله

۱ واژگان پایه فیلم و سینما در انگلیسی (Basic Movie Vocabulary)

۲ لغات فیلم و سینما در انگلیسی – ژانرهای فیلم در انگلیسی (Movie Genres)

۳ افراد و نقش‌ها در سینما (People in Movies)

۴ واژگان مربوط به داستان و روایت فیلم (Story & Plot Vocabulary)

۵ واژگان بازیگری و اجرا (Acting & Performance)

۶ اصطلاحات فنی فیلم‌سازی (Technical Movie Terms)

۷ واژگان مربوط به احساس و نظر دادن درباره فیلم

۸ افعال پرکاربرد مربوط به فیلم دیدن (Movie-Related Verbs)

۹ اصطلاحات رایج محاوره‌ای درباره فیلم

۱۰ لغات مربوط به نقد و بررسی فیلم (Movie Review Vocabulary)

۱۱ واژگان مربوط به سینما رفتن (At the Cinema)

۱۲ جمع بندی

۱۳ سوالات متداول لغات فیلم و سینما در انگلیسی

واژگان پایه فیلم و سینما در انگلیسی (Basic Movie Vocabulary)

movie (AmE)

فیلم

We watched a **movie** last night.

دیشب یک فیلم تماشا کردیم.

film (BrE)

فیلم (کمی رسمی تر یا در انگلیسی بریتیش)

This **film** won several international awards.

این فیلم چندین جایزه بین المللی برد.

cinema

سینما

Let's go to the **cinema** this weekend.

بیا این آخر هفته به سینما برویم.

scene

صحنه

That **scene** was very emotional.

آن صحنه خیلی احساسی بود.

actor

بازیگر مرد

He is a famous **actor** in Hollywood.

او یک بازیگر معروف در هالیوود است.

actress

بازیگر زن

The **actress** gave an amazing performance.

بازیگر زن اجرای فوق العاده ای داشت.

character

شخصیت / کاراکتر

My favorite **character** is the main hero.

شخصیت مورد علاقه من قهرمان اصلی است.

role

نقش

She played an important **role** in the movie.

او نقش مهمی در فیلم بازی کرد.

script

فیلمنامه

The **script** of this movie is very strong.

فیلمنامه این فیلم بسیار قوی است.

director

کارگردان

The **director** is known for his unique style.

این کارگردان به خاطر سبک منحصر به فردش شناخته می‌شود.

لغات فیلم و سینما در انگلیسی – ژانرهای فیلم در انگلیسی (Movie Genres)

action

اکشن

I like **action** movies with a lot of fight scenes.

من فیلم‌های اکشن با صحنه‌های مبارزه زیاد را دوست دارم.

comedy

کمدی

This **comedy** made everyone laugh.

این فیلم کمدی همه را خنداند.

drama

درام

She prefers **drama** films with deep stories.

او فیلم‌های درام با داستان‌های عمیق را ترجیح می‌دهد.

horror

ترسناک

I can't watch **horror** movies alone.

نمی‌توانم فیلم‌های ترسناک را تنها تماشا کنم.

thriller

هیجانی / دلهره‌آور

The **thriller** kept me excited until the end.

آن فیلم هیجانی تا آخر من را هیجان‌زده نگه داشت.

romance

عاشقانه

They watched a **romance** movie together.

آن‌ها با هم یک فیلم عاشقانه تماشا کردند.

science fiction (sci-fi)

علمی-تخیلی

Sci-fi movies often show the future.

فیلم‌های علمی-تخیلی اغلب آینده را نشان می‌دهند.

documentary

مستند

The **documentary** is about climate change.

این مستند درباره تغییرات اقلیمی است.

animation – animated movie

انیمیشن

Animated movies are popular with both kids and adults.

فیلم‌های انیمیشنی هم بین کودکان و هم بزرگسالان محبوب هستند.

fantasy

فانتزی

Fantasy movies create imaginary worlds.

فیلم‌های فانتزی دنیاهاى خیالی خلق می‌کنند.

افراد و نقش‌ها در سینما (People in Movies)

actor

بازیگر مرد

The **actor** became famous after this movie.

این بازیگر بعد از این فیلم معروف شد.

actress

بازیگر زن

The **actress** won an award for her role.

این بازیگر زن برای نقشش جایزه گرفت.

director

کارگردان

The **director** controlled every detail of the film.

کارگردان تمام جزئیات فیلم را کنترل می کرد.

producer

تهیه کننده

The **producer** invested a lot of money in the movie.

تهیه کننده پول زیادی روی این فیلم سرمایه گذاری کرد.

screenwriter

فیلمنامه‌نویس

The **screenwriter** wrote a powerful story.

فیلمنامه‌نویس داستان قدرتمندی نوشت.

cameraman

فیلم‌بردار

The **cameraman** filmed the scene perfectly.

فیلم‌بردار آن صحنه را بی نقص ضبط کرد.

editor

تدوین‌گر

The **editor** cut the movie into shorter scenes.

تدوین‌گر فیلم را به صحنه‌های کوتاه‌تر تقسیم کرد.

cast

گروه بازیگران

The **cast** includes several famous actors.

گروه بازیگران شامل چند بازیگر معروف است.

audience

تماشاگران

The **audience** loved the movie.

تماشاگران فیلم را دوست داشتند.

critic

منتقد

Critics gave the film very positive reviews.

منتقدان نقدهای بسیار مثبتی برای فیلم نوشتند.

بیشتر بخوانید: لیست کامل شغل ها در انگلیسی

واژگان مربوط به داستان و روایت فیلم (Story & Plot Vocabulary)

story

داستان

The **story** of the movie is very interesting.

داستان فیلم بسیار جالب است.

plot

خط داستانی / پیرنگ

The **plot** becomes more exciting in the middle of the film.

خط داستانی فیلم در میانه جذاب تر می شود.

beginning

شروع / آغاز

The **beginning** of the movie was slow.

شروع فیلم کند بود.

ending

پایان

I didn't like the **ending** of the movie.

پایان فیلم را دوست نداشتم.

twist

پیچش داستانی / غافلگیری

The movie has a surprising **twist** at the end.

فیلم در پایان یک غافلگیری غیرمنتظره دارد.

climax

نقطه اوج

The **climax** of the film was very intense.

نقطه اوج فیلم بسیار هیجان انگیز بود.

conflict

کشمکش / تعارض

The main **conflict** drives the whole story.

تعارض اصلی کل داستان را پیش می‌برد.

theme

تم / مضمون / درون‌مایه

Love is the main **theme** of the movie.

عشق مضمون اصلی فیلم است.

character development

شخصیت‌پردازی / رشد شخصیت

The movie shows strong **character development**.

فیلم شخصیت‌پردازی قوی‌ای به نمایش می‌گذارد.

storyline

روایت کلی داستان / خط داستانی

The **storyline** is easy to follow.

دنبال کردن روایت داستان آسان است.

بیشتر بخوانید: پادکست زبان انگلیسی ۲۴ – A Good Life Under a Wide Sky

واژگان بازیگری و اجرا (Acting & Performance)

acting

بازیگری

His **acting** feels very natural.

بازیگری او بسیار طبیعی به نظر می‌رسد.

performance

اجرا / بازی

She gave an excellent **performance** in the movie.

او اجرای فوق‌العاده‌ای در فیلم ارائه داد.

role

نقش

He played a difficult **role** in the film.

او نقش سختی در فیلم بازی کرد.

overacting

اغراق در بازیگری

Some scenes suffer from **overacting**.

بعضی صحنه‌ها از اغراق در بازیگری رنج می‌برند.

convincing

باورپذیر

Her performance was very **convincing**.

اجرای او بسیار باورپذیر بود.

emotional

احساسی

The actor gave an **emotional** performance.

بازیگر اجرای احساسی‌ای ارائه داد.

natural

طبیعی

His acting looks **natural** and realistic.

بازی او طبیعی و واقع‌گرایانه به نظر می‌رسد.

powerful

قدرتمند

It was a **powerful** performance by the lead actor.

این یک اجرای قدرتمند از بازیگر نقش اصلی بود.

weak

ضعیف

Some side characters had **weak** performances.

بعضی شخصیت‌های فرعی اجرای ضعیفی داشتند.

lead actor

بازیگر نقش اصلی

The **lead actor** carried the whole movie.

بازیگر نقش اصلی کل فیلم را به دوش کشید.

اصطلاحات فنی فیلم‌سازی (Technical Movie Terms)

camera angle

زاویه دوربین

The **camera angle** makes the scene more dramatic.

زاویه دوربین صحنه را دراماتیک‌تر می‌کند.

close-up

نمای نزدیک

The director used a **close-up** to show emotions.

کارگردان از نمای نزدیک برای نشان دادن احساسات استفاده کرد.

long shot

نمای دور

The **long shot** shows the whole city.

نمای دور کل شهر را نشان می‌دهد.

lighting

نورپردازی

The **lighting** creates a dark atmosphere.

نورپردازی فضای تاریکی ایجاد می کند.

soundtrack

موسیقی متن

The **soundtrack** perfectly matches the story.

موسیقی متن کاملاً با داستان هماهنگ است.

background music

موسیقی پس زمینه

The **background music** increases tension.

موسیقی پس زمینه تنش را افزایش می دهد.

special effects

جلوه های ویژه

The movie has impressive **special effects**.

فیلم جلوه‌های ویژه چشمگیری دارد.

visual effects (VFX)

جلوه‌های بصری

Modern movies rely heavily on **visual effects**.

فیلم‌های مدرن به شدت به جلوه‌های بصری متکی هستند.

editing

تدوین

Good **editing** improves the pacing of the movie.

تدوین خوب ریتم (تمپو) فیلم را بهتر می‌کند.

subtitle

زیرنویس

I watched the movie with English **subtitles**.

من فیلم را با زیرنویس انگلیسی تماشا کردم.

واژگان مربوط به احساس و نظر دادن درباره فیلم

exciting

هیجان انگیز

The movie was **exciting** from start to finish.

فیلم از ابتدا تا انتها هیجان انگیز بود.

boring

خسته کننده

I found the movie **boring** and slow.

به نظرم فیلم خسته کننده و کند بود.

interesting

جالب

The story is **interesting** and easy to follow.

داستان جالب و قابل دنبال کردن است.

entertaining

سرگرم‌کننده

It's an **entertaining** movie for the whole family.

این یک فیلم سرگرم‌کننده برای کل خانواده است.

touching

تأثیرگذار / احساسی

The ending was very **touching**.

پایان فیلم بسیار تأثیرگذار بود.

disappointing

نامیدکننده

The movie was **disappointing** despite the strong cast.

با وجود بازیگران قوی، فیلم ناامیدکننده بود.

impressive

تأثیرگذار / چشمگیر

The visuals were really **impressive**.

تصاویر واقعاً چشمگیر بودند.

predictable

قابل پیش‌بینی

The plot was too **predictable**.

داستان بیش از حد قابل پیش‌بینی بود.

inspiring

الهام‌بخش

The movie tells an **inspiring** story.

فیلم داستانی الهام بخش را روایت می کند.

confusing

گیج کننده

Some scenes were **confusing** for the audience.

بعضی صحنه ها برای تماشاگران گیج کننده بودند.

بیشتر بخوانید: کلمات مربوط به احساسات و شخصیت افراد در انگلیسی

افعال پرکاربرد مربوط به فیلم دیدن (Movie-Related Verbs)

watch

تماشا کردن

I usually **watch** movies at night.

من معمولاً شب ها فیلم تماشا می کنم.

see

دیدن (غیرتمرکزی - برخلاف تماشا کردن)

I **saw** this movie last year.

من این فیلم را سال گذشته دیدم.

enjoy

لذت بردن

I really **enjoyed** the movie.

من واقعاً از فیلم لذت بردم.

recommend

پیشنهاد کردن

I **recommend** this movie to everyone.

من این فیلم را به همه پیشنهاد می‌کنم.

review

نقد کردن / بررسی کردن

He **reviewed** the movie on his blog.

او فیلم را در وبلاگش نقد کرد.

rate

امتیاز دادن

I **rated** the movie five stars.

من به فیلم پنج ستاره دادم.

miss

از دست دادن

I **missed** the beginning of the movie.

ابتدای فیلم را از دست دادم.

skip

رد کردن / جلو زدن

I **skipped** some boring scenes.

بعضی صحنه های خسته کننده را رد کردم.

pause

مکث کردن / باز کردن (نگه داشتن) فیلم

I **paused** the movie to answer the phone.

برای جواب دادن به تلفن، فیلم را متوقف کردم.

replay

دوباره پخش کردن

I **replayed** my favorite scene.

صحنه مورد علاقه ام را دوباره پخش کردم.

بیشتر بخوانید: ۳۳۳ فعل پرکاربرد زبان انگلیسی

اصطلاحات رایج محاوره‌ای درباره فیلم

worth watching

ارزش دیدن دارد

This movie is definitely **worth watching**.

این فیلم قطعاً ارزش دیدن دارد.

a must-see

حتماً باید دید

It's a **must-see** for movie lovers.

برای علاقه‌مندان به فیلم، حتماً باید دیده شود.

based on a true story

بر اساس داستان واقعی

The movie is **based on a true story**.

این فیلم بر اساس یک داستان واقعی ساخته شده است.

box office hit

فیلم پرفروش

The film became a **box office hit**.

فیلم به یک اثر پرفروش تبدیل شد.

box office flop

شکست تجاری

Despite the hype, the movie was a **box office flop**.

با وجود تبلیغات زیاد، فیلم از نظر فروش شکست خورد.

steal the show

همه توجه‌ها را به خود جلب کردن

The supporting actor **stole the show**.

بازیگر نقش مکمل همه توجه‌ها را به خود جلب کرد.

on the edge of your seat

لبه‌ی صندلی‌ات (یعنی انقدر فیلم هیجان‌انگیز است که فرد لبه‌ی صندلی می‌خکوب شده)

The thriller kept me on the edge of my seat.

این فیلم هیجانی من را تا آخر می‌خکوب کرد.

low budget

کم‌هزینه

It's a low-budget film with a strong story.

این فیلم کم‌هزینه با داستانی قوی است.

high budget

پرهزینه

High-budget movies often have better effects.

فیلم‌های پرهزینه معمولاً جلوه‌های بهتری دارند.

cult classic

فیلم محبوب خاص / فیلم کالت

The movie became a **cult classic** over time.

این فیلم با گذشت زمان به یک اثر محبوب خاص تبدیل شد.

بیشتر بخوانید: ۳۱۳ صفت کاربردی انگلیسی

لغات مربوط به نقد و بررسی فیلم (Movie Review Vocabulary)

review

نقد / بررسی

I read a positive **review** about the movie.

یک نقد مثبت درباره فیلم خواندم.

rating

امتیاز

The movie received a high **rating**.

فیلم امتیاز بالایی دریافت کرد.

rating

امتیاز

The movie received a high **rating**.

فیلم امتیاز بالایی دریافت کرد.

critic

منتقد

Critics praised the director's work.

منتقدان کار کارگردان را تحسین کردند.

audience

مخاطبان / تماشاگران

The **audience** reaction was very positive.

واکنش تماشاگران بسیار مثبت بود.

masterpiece

شاهکار

Many people consider this film a **masterpiece**.

بسیاری این فیلم را یک شاهکار می دانند.

masterpiece

شاهکار

Many people consider this film a **masterpiece**.

بسیاری این فیلم را یک شاهکار می دانند.

overrated

بیش از حد بزرگ شده / بیش از حد تعریف شده

In my opinion, the movie is **overrated**.

به نظر من، این فیلم بیش از حد بزرگ شده است.

underrated

دست کم گرفته شده

This film is **underrated** and deserves more attention.

این فیلم دست کم گرفته شده و شایسته توجه بیشتری است.

average

متوسط

The movie was **average**, nothing special.

فیلم متوسط بود و چیز خاصی نداشت.

disappointing

ناامیدکننده

The sequel was **disappointing**.

دنباله فیلم ناامیدکننده بود.

highly recommended

به شدت توصیه شده

This movie is **highly recommended** by critics.

این فیلم به شدت توسط منتقدان توصیه شده است.

واژگان مربوط به سینما رفتن (At the Cinema)

ticket

بلیت

I bought a **ticket** online.

بلیت را آنلاین خریدم.

seat

صندلی

Our **seats** were in the middle row.

صندلی‌های ما در ردیف وسط بود.

screen

پرده نمایش

The movie looked great on the big **screen**.

فیلم روی پرده بزرگ فوق‌العاده به نظر می‌رسید.

subtitles

زیرنویس

The movie has English **subtitles**.

فیلم زیرنویس انگلیسی دارد.

dubbing

دوبله

I prefer subtitles to **dubbing**.

من زیرنویس را به دوبله ترجیح می‌دهم.

popcorn

پاپ‌کورن

We bought **popcorn** before the movie started.

قبل از شروع فیلم پاپ‌کورن خریدیم.

showtime

زمان نمایش

What's the **showtime** for this movie?

زمان نمایش این فیلم چه ساعتی است؟

trailer

تریلر / پیش‌نمایش

I watched the **trailer** before buying a ticket.

قبل از خرید بلیط تریلر فیلم را دیدم.

hall

سالن

The **hall** was completely full.

سالن کاملاً پر بود.

۳D movie

فیلم سه بعدی

We watched the movie in **۳D**.

فیلم را به صورت سه بعدی تماشا کردیم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل مکان ها در زبان انگلیسی

جمع بندی

یادگیری لغات فیلم و سینما در انگلیسی، یکی از طبیعی‌ترین و لذت‌بخش‌ترین راه‌ها برای تقویت زبان است. این واژه‌ها در تماشای فیلم، مکالمه روزمره، نوشتن نظر و درک بهتر محتواهای انگلیسی کاربرد مستقیم دارند. با یاد گرفتن این لغات همراه با مثال، می‌توانید راحت‌تر درباره فیلم‌ها صحبت کنید و زبانتان را فعال‌تر به کار ببرید. بهترین تمرین، دیدن فیلم و استفاده عملی از همین واژه‌هاست.

سوالات متداول لغات فیلم و سینما در انگلیسی

بهترین روش یادگیری لغات فیلم در انگلیسی چیست؟

دیدن فیلم با زیرنویس انگلیسی و نوشتن لغات جدید همراه با جمله مثال.

movie و film چه فرقی دارند؟

هر دو به معنی «فیلم» هستند، اما film رسمی‌تر از movie است و بیشتر در انگلیسی بریتیش به کار می‌رود.

دیدن فیلم بدون زیرنویس برای یادگیری مفید است؟

بله، اما بعد از رسیدن به سطح متوسط؛ در ابتدا زیرنویس انگلیسی بهتر است.

چطور از این لغات در مکالمه استفاده کنیم؟

با نظر دادن کوتاه درباره فیلم‌ها و جمله‌سازی ساده در مکالمات روزمره.